

"بسمه تعالی"

تعلیم و تربیت

حسنعلی محمودی

چکیده

نوآوری در همه‌ی ابعادش با تفکر و هم‌اندیشی همراه است و شکوفایی ثمره‌ی چنین اندیشه‌ای است. یکی از ابعاد نوآوری و شکوفایی، تعلیم و تربیت در مسجد است که در نوشتار حاضر به آن می‌پردازیم. بعد از شناسایی مفهوم نوآوری و شکوفایی در لغت و اصطلاح، آیات و روایاتی را ذکر می‌کنیم که به این مفهوم اشاره می‌کند. در ادامه به ابعاد نوآوری و شکوفایی اشاره می‌کنیم؛ و همچنین به نقش محوری مسجد در تعلیم و تربیت، متحول کردن افراد جامعه، سوق دادن آن‌ها به سوی نوآوری و شکوفایی، راهکارهای عملی در این زمینه و پیش‌نیازهای آن نگاهی می‌اندازیم. در قسمت پایانی، نوآوری در راستای شکوفایی تعلیم و تربیت در مسجد را آسیب‌شناسی می‌کنیم.

کلیدواژه‌ها: نوآوری، شکوفایی، مسجد، تعلیم، تربیت

مقدمه

اسلام مکتب تعلیم و تربیت و به‌کمال رساندن انسان‌هاست. امر تعلیم و تربیت در اسلام چنان مقدس است که رسول گرامی اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) هدف خود از بعثت را اتمام و اکمال بزرگواری‌های اخلاقی در راستای حفظ کرامت انسانی قلمداد می‌کند:

« إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ »^۱ همانا من برای تکمیل کرامت‌های اخلاقی فرستاده شده‌ام.

پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) برای هدایت و تعلیم و تربیت اسلامی به‌حدی تلاش می‌کرد که خدای تعالی فرمودند:

« مَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْقَى »^۲ ما قرآن را بر تو نازل نکردیم که خود را به زحمت بیفکنی.

پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) مکان این امر مقدس را از ابتدای برنامه‌ی آموزشی و تربیتی اسلام مسجد قرار داد؛ به‌همین جهت هر جا پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) برای تعلیم و تربیت افراد مسلم و مؤمن وارد می‌شد، نخست مسجدی می‌ساخت برای عبادت و برنامه‌های تربیتی.

۱ - مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۱۸۷، بحار الانوار، علامه مجلسی، بیروت لبنان، موسسه‌ی الوفاء، ج ۶۸، ص ۳۸۲، ب ۹۲ حسن الخلق.

با وجود اینکه مسجد، همان‌گونه که از نامش پیداست، محل عبادت خدای یگانه و تقرب‌جستن به او است؛ اما کارکردهایش در صدر اسلام معلوم می‌کند که از آغاز فقط جایگاه عبادت یا معبد ساده‌ای نبوده است، بلکه مکانی برای ارشاد، تبلیغ و تعلیم و تربیت اسلامی بوده است. تا آنجا که سیره‌ی رسول اعظم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) به ما نشان می‌دهد، او مسائل علمی را در مسجد مطرح می‌کرد و به مسئله‌ی آموزش و تعلیم و تربیت بیش از عبادت و خواندن نماز اهمیت می‌داد. به دستور قرآن، مهم‌ترین محورهای کاری آن حضرت تعلیم و تربیت و تزکیه‌ی نفوس بود که بیش‌ازهمه در مسجد انجام می‌شد. برنامه‌ی کاری پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) در مسجد، برپایه‌ی دو محور اساسی و سازنده دنبال می‌شد:

۱. مردم را با فن‌های جنگ با کفار و مشرکان آشنا کند؛

۲. تعلیم و تربیت افراد را در ابعاد مختلف دنبال کند.

بنابراین، از صدر اسلام، مرکز تعلیم و تربیت مسجد بود. در دوره‌های مختلف زمانی همواره به این سنت توجه می‌شده است؛ ولو به صورت کم‌رنگ و ضعیف. لکن در روش تعلیم و تربیت یا در طراحی و برنامه‌ریزی در امور مسجدها به صورت جذاب و محوری نوآوری نشده است. آموزش و پرورش در نهادهایی غیر از مسجدها، چه در کشورهای اسلامی و چه غیراسلامی، به روز می‌شود؛ بنابراین ضروری است که در نحوه‌ی آموزش و تربیت اسلامی در مسجد تجدیدنظر شود؛ زیرا برنامه‌هایی تکراری که نوآوری و خلاقیت ندارد، موجب دل‌سردی در افراد می‌شود؛ به‌ویژه در جوانان.

در اسلام، بر عمران و آبادانی مسجد بسیار سفارش شده است. یکی از مهم‌ترین نشانه‌های این آبادانی حضور پرچوش و فعال مسلمانان در مسجد برای عبادت و تعلیم و تربیت است. از این رو باید برای عمران و آبادانی مسجد - به‌ویژه عمران معنوی و آبادانی موردنظر اسلام - و شکوفایی‌اش در امر تعلیم و تربیت به طرح‌های نو توجه کرد. به‌علت اهمیت نوآوری و خلاقیت در امر آموزش و تعلیم و تربیت، قصد داریم در این مقاله تعلیم و تربیت در مسجد را با رویکردهای نو و خلاقانه بررسی کنیم. از این رو، نخست لازم است با مفهوم نوآوری و شکوفایی آشنا شویم و آیات و روایاتی را بررسی کنیم که به این موضوع اشاره دارند، سپس به ابعاد و شاخصه‌های نوآوری و شکوفایی می‌پردازیم؛ البته با تأکید بر نوآوری و شکوفایی در امر تعلیم و تربیت در مسجد. به‌دلیل اینکه همواره نوآوری در معرض آسیب‌های احتمالی است، در ادامه به مانع‌های تحقق نوآوری و راهکارهای اجرایی شدن آن اشاره می‌کنیم.

مفهوم‌شناسی نوآوری و شکوفایی

الف) معنای لغوی نوآوری و شکوفایی

نوآوری کلمه‌ای ترکیبی است از «نو» و «آوری» به معنای ابتکار، ابداع و در مواردی نیز به معنای بدعت‌گذاری^۱. نوآوری از ادراک سرچشمه می‌گیرد و در اثر دیدن اشیاء و پدیده‌ها از زاویه‌ای نو پدید می‌آید و گاه محصول خلاقیت انسان نیز است؛ از این رو پیوند و ارتباط عمیقی با خلاقیت دارد. نواندیشی وصف فرد یا جامعه‌ای است که اندیشه‌هایی نو دارد.

شکوفایی به معنای شکفتن، باز شدن غنچه، پدیدار شدن و آشکار شدن است. شکوفایی نیز نوعی خلاقیت است. نوآوری همچون دانش و شکوفایی همچون تکنولوژی است؛ یعنی شکوفایی کاربرد و به‌صحنه‌ی زندگی‌کشاندن نوآوری است؛ مانند درختانی که در فصل بهار تجدید حیات می‌کنند و شکوفه اولین آثار رشدی است که در وجودشان جوانه می‌زند.

ب) معنای اصطلاحی نوآوری و شکوفایی

نوآوری و شکوفایی در اصطلاح نیز به همان معنای لغوی‌اش است؛ ابتکار، خلاقیت، چیزی تازه کشف کردن و به‌وجود آوردن؛ اما در علوم مختلف معنای متناسب با آن علم را دارد. برای مثال، نوآوری در صنعت به معنای اختراعات و اکتشافات، در مدیریت به معنای برنامه‌ریزی جدید، در اقتصاد به معنای طرح و روش نو در سیستم اقتصادی و بانک‌داری و... است.

اما گاهی مراد از نوآوری در دین حکم جدیدی است که در شریعت سابقه نداشته است؛ این‌گونه نوآوری بدعت در دین و مذموم و ممنوع است. اگر مراد از نوآوری در دین، پیشرفت علوم اسلامی، استنباط احکام جدید و برداشت نو از سنت پیشوایان دین باشد، نه تنها مذموم نیست، بلکه پسندیده و کار مردان سخت‌کوش و فقیهان است. به دلیل بازبودن باب اجتهاد در مذهب شیعه، این سنت در طول تاریخ، به صورت متداول، جریان داشته است. از این رو، می‌توان گفت نوآوری و شکوفایی در دین سند زنده‌بودن اسلام در هر عصری است و جواب‌گوی مسائل و احکام جامعه در هر شرایطی.

پرسش‌های اساسی تحقیق

۱- آیا اسلام نوآوری و شکوفایی را می‌پذیرد؟

۱ - لغت نامه لسان‌العرب، ج ۸، ص ۶ و قاموس قرآن، ج ۲، ص ۱۷۱

۲- آیا به نوآوری و شکوفایی در آیات و روایات اشاره شده است؟

۳- گستره‌ی نوآوری و شکوفایی تا کجاست؟

۴- ابعاد نوآوری و شکوفایی در تعلیم و تربیت در مسجد چیست؟

۵- آیا تا کنون در تعلیم و تربیت در مسجد نوآوری شده است؟

۶- شاخصه‌های نوآوری و شکوفایی در تعلیم و تربیت چیست؟

فرضیه‌ی تحقیق

مسجد می‌تواند کانون نوآوری و شکوفایی در تعلیم و تربیت باشد. نوآوری و شکوفایی در اسلام همیشه جریان داشته است؛ پیشرفت علوم اسلامی از جمله علم فقه و اصول و همچنین پاسخ به سؤال‌ها و مسائل مستحدثه بارزترین شیوه‌ی آن است.

نوآوری و شکوفایی در آیات و روایات

باتوجه به تعریف‌هایی که از نوآوری و شکوفایی شد، به‌ویژه نوآوری در دین و به معنای استنباط احکام و مسائل مستحدثه، به‌خوبی مشخص است که اسلام طرفدار آن است و از نوآوری و شکوفایی مفید برای فرد و جامعه استقبال می‌کند. در آیات قرآن و روایات اهل بیت به این مفهوم، ویژگی‌های آن، ریشه‌ها و عوامل، نتایج، ضرورت‌ها و نمونه‌ها اشاره‌های فراوانی شده است. در این بخش از مقاله به بخشی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

• آیات قرآن

در قرآن کریم بعضی از اسم‌ها و صفتهای الهی دربردارنده‌ی مفهوم «نوآوری» و «شکوفاشدن» است:

۱- الخالق؛ «اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ»^۱. یا «مَنْ خَلَقَ الْأَشْيَاءَ مِنَ الْعَدَمِ»^۲. خالقیت به معنای آفرینش است و نوآوری دارد.

۲- الباری؛ «هُوَ اللَّهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى»^۳ و «فَتُوبُوا إِلَىٰ بَارِئِكُمْ»^۱. باری همان خالق است که با نوآوری و از عدم چیزی را آفریده است.

۱- زمر/۶۲

۲ دعای جوشن کبیر

۳- حشر/۲۴

۴- البديع؛ «بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ»^۱. بديع به معنای ابداع کننده است و خداوند بديع است که موجودات را نو و بدون پیشینه‌ی قبلی و بدون نقشه و مثال آفریده است.

همچنین نام‌های دیگر پروردگار - همچون «مَصُّور، فاطر، مبدئ، کاشف، باسط، منشی، قابض، باعث، معلن، مبین، مبین، واسع، موسع، مفضل، فتاح، فالق، فارق، فارح و فاتح» - همگی متضمن معنای نوآوری، ایجاد و شکوفایی، پدیدآوردگی، گشایش‌دهندگی، کارگشایی، برطرف‌کنندگی، بازکنندگی، بیونددهندگی، آشکارکنندگی، نخستین آفرینی، نوآفرینی و امثال آن است که در آیات و روایات دیده می‌شود. البته جامع‌ترین نامی که در بردارنده‌ی همه‌ی مفهوم‌های فوق است، همان «رب» در «رب العالمین» است که نشان می‌دهد پروردگار همه‌ی هستی و اجزای آن را از عدم با ابداع آفریده، پرورش داده و شکوفا کرده است.

از آیه‌ی ۲۹ سوره‌ی الرحمن، «سَأَلَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ»، برداشت می‌شود که خداوند پیوسته در حال نوآوری است. تفکر در آفرینش و چرخه‌ی پیوسته‌ی حیات و ممات نیز ما را به نوآوری مستمر الهی رهنمون می‌کند.

در قرآن، پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و امتش پدیده‌ای نو هستند و ویژگی نوشوندگی، زاینده‌ی، بالندگی، فزاینده‌ی و گستردگی را دارند. دراصل، ظهور دین‌های الهی به منظور شکوفایی و نوآوری در هدایت انسان‌ها است. این مطلب از آیات متعددی برداشت می‌شود؛ از جمله آیه‌ی ۲۹ سوره‌ی فتح که می‌فرماید:

«مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْئَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَى عَلَى سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيُغَيِّظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا»، محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله) فرستاده‌ی خداست و کسانی که با او هستند، در برابر کفار سرسخت و شدید و در میان خود مهربان‌اند. پیوسته آن‌ها را در حال رکوع و سجود می‌بینی؛ درحالی‌که همواره فضل خدا و رضای او را می‌طلبند. نشانه‌ی آن‌ها در صورتشان از اثر سجده نمایان است. این توصیف آن‌ها در تورات است و مثل آنان در انجیل این است. همانند زراعتی که جوانه‌های خود را خارج ساخته، سپس به تقویت آن پرداخته

۱- بقره / ۵۴

۲- بقره / ۱۱۷- انعام / ۱۰۱

تا محکم شده و بر پای خود ایستاده است و به قدری رشد و نمو کرده که زارعان را به شگفتی وا می‌دارد. این برای آن است که کافران را به خشم آورده. (ولی) کسانی از آن‌ها را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، خداوند وعده آمرزش و اجر عظیمی داده است.

این مثال جالب و زیبا که توصیفی از تورات و مثالی از انجیل دارد، درباره‌ی یاران واقعی پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) است و از یک سو آنچه را حکایت می‌کند که یاران پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) متصف به آن بوده‌اند و از سوی دیگر به کسانی که می‌خواهند مسلمان حقیقی و یاور واقعی پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و اهل بیت (علیهم‌السلام) باشند می‌آموزد که باید چه صفت‌ها و ویژگی‌هایی داشته باشند. «وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ» مثل پیروان صادق و مخلص پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) است. در کتاب آسمانی مسیحیان، انجیل، مثل مزرعه و زراعتی هست که این ویژگی‌های پنج‌گانه را دارد:

۱ - «أَخْرَجَ شَطْطُهُ»: «شَطْطاً» در عربی دو معنا دارد: نخست به جوانه‌هایی گفته می‌شود که کنار گیاهان یا درختان می‌روید و کم‌کم رشد می‌کند و مستقل می‌شود. همچنین، به نوزادان حیوانات گفته می‌شود که بر اثر زادوولد زیاد می‌شوند.^۱ بنابراین «شَطْطاً» به معنای زاینده‌گی، بالندگی، فزاینده‌گی، گستردگی و مانند این‌هاست.

نخستین ویژگی تشبیه یاران پیامبر به زراعت این است که تنها و محدود نیستند بلکه جوانه می‌زنند و زاینده هستند. به عبارت دیگر، عقیم و نازا نیستند بلکه همواره در حال تولید و تکثیر هستند.

۲- «فَآزَرَهُ»: «آزر و موازرت» به معنای حمایت و تقویت است. «وزیر» را به دلیل اینکه از «شاه» حمایت می‌کند و او را تقویت می‌کند وزیر می‌نامند. امام علی (علیه‌السلام) وزیر پیامبر بود؛ زیرا حامی پیامبر بود و در راه تقویت دین آن حضرت تلاش کرد.

زراعتی که نام برده شد، نه تنها رشد و بالندگی و زاینده‌گی دارد و جوانه می‌زند بلکه همواره از جوانه‌ها حمایت می‌کند، مانع‌ها را از سر راهش برمی‌دارد، نیازهایش را برآورده می‌کند و تقویتش می‌کند.

۳ - «فَاسْتَعْلَظَ»: ویژگی سوم مزرعه این است که جوانه‌های حمایت‌شده کم‌کم محکم می‌شوند و در سایه‌ی حمایت و تقویت مزرعه استحکام می‌یابند.

۱- ر.ک، لسان العرب، ج ۱، ص ۱۰۰

۴ - «فَأَسْتَوِي عَلَى سَوْفِهِ»: حمایت از جوانه‌ها و تقویتشان تا آنجا که احساس استقلال کنند و روی پای خود بایستند ادامه پیدا می‌کند. هنگامی که دوران وابستگی به سر بیاید، خودشان جوانه می‌زنند و جوانه‌هایشان نیز به همان شکل سابق مراحل سه‌گانه‌ی «حمایت»، «استحکام» و «استقلال» را سپری می‌کنند.

۵ - «يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيَغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ»: تولید، رشد و تکثیر این مزرعه‌ی بابرکت به قدری زیاد و چشم‌گیر است که کشاورزان را در حیرت فرو می‌برد؛ به‌گونه‌ای که از تعجب انگشت بر دهان می‌گذارند؛ زیرا برخی از درختان و گیاهان در مدّت کوتاهی سراسر باغ را پوشانده‌اند و درمقابل کافران در خشم فرومی‌روند.

«وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا»^۱

خداوند متعال فقط به یاران و اصحابی از پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) وعده‌ی بخشش و اجر بزرگ داده است که نخست ایمان بیاورند و اعتقادات خود را اصلاح کنند، سپس اعمال و کردار شایسته داشته باشند، نه به همه‌ی یاران و اصحاب ایشان. کلمه‌ی «منهم» به اصطلاح ادبای عرب «تبعیضیه» است و فقط برخی از اصحاب پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) را شامل می‌شود که صفت‌هایشان در آیه آمده است و نه همه‌ی اصحابشان. طبق این آیه، برخی از اصحاب پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) به مزرعه‌ای زاینده و بالنده تشبیه شده‌اند و به‌دلیل ایمان و عمل صالحشان خداوند به آن‌ها بشارت «مغفرت» و «اجر عظیم» داده است.^۲

همچنین، شأن نزول آیه‌ی فوق مصداق بارز نوآوری است که آثار فراوانی داشت؛ مثل داستان صلح حدیبیه و نوآوری پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) در برخورد با مشرکان و حرکت بدون سلاح و با لباس احرام به سمت مکه و درهم‌شکستن همه‌ی تصورهای مشرکان که همان «فتح‌المبین» است. «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُعَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ»^۳ سنت پروردگار در این است که سرنوشت دنیا و آخرت دگرگون نمی‌شود؛ مگر با پویایی، تغییر و نوآوری انسان‌ها.

«وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا أَلْفَيْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوْ لَوْ كَانَ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ شَيْئًا وَ لَا يَهْتَدُونَ»^۴ و چون به آنان گفته شود از آنچه خدا نازل کرده است پیروی کنید، می‌گویند نه بلکه از چیزی

۱ - فتح : ۲۹

۲ - مثال‌های زیبای قرآن، مکارم شیرازی، قم، مدرسه‌ی امیرالمؤمنین (ع)، ص ۲۱۸

۳ - رعد/ ۱۱

۴ - بقره / ۱۷۰

پیروی می‌کنیم که پدران خود را بر آن یافته‌ایم. آیا هر چند پدرانشان چیزی را درک نمی‌کرده و به راه ثواب نمی‌رفته‌اند باز هم در خور پیروی هستند؟

از نظر قرآن، نواندیشی و نوآوری در اندیشه برای اصلاح گذشته اصلی مسلم و ضروری است؛ زیرا قرآن تقلید از باورهای باطل و کهنه‌ی پدران را بسیار نکوهش کرده است و انسان‌ها را به خردورزی و راهیابی دعوت می‌کند. قرآن انسان‌ها را به نواندیشی در مسیر هدایت دعوت می‌کند تا هم خردهایشان را بیدار کند، هم راه‌های تازه‌ای فرارویشان بگشاید. برای همین در آیه‌های زیادی به فکر، علم، عقل، تدبّر، حکمت، نور و امثال آن تأکید شده است و انسان‌های هدایت‌شده را مردگانی زنده‌شده می‌داند و برای آنان نور هدایت‌گر قرار داده است.

«يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ وَيُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِهِ وَيَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ»،^۱ خداوند به برکت آن، کسانی را که از خشنودی او پیروی کنند، به راه‌های سلامت، هدایت می‌کند و به فرمان خود از تاریکی‌ها به سوی روشنایی می‌برد؛ و آن‌ها را به سوی راه راست رهبری می‌کند.

«أَوْ مَنْ كَانَ مَيِّتًا فَأَحْيَيْنَاهُ وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ كَمَنْ مَثَلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِنْهَا كَذَلِكَ زُيِّنَ لِلْكَافِرِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»،^۲ آیا کسی که مرده بود سپس او را زنده کردیم و نوری برایش قرار دادیم با آن در میان مردم راه برود، همانند کسی است که در ظلمت‌ها باشد و از آن خارج نگردد؟ این گونه برای کافران، اعمال (زشتی) که انجام می‌دادند، تزیین شده است.

«وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَىٰ مَا أَنزَلَ اللَّهُ وَإِلَى الرَّسُولِ قَالُوا حَسْبُنَا مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوَّلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ»،^۳ و چون به آنان گفته شود به سوی آنچه خدا نازل کرده است و به سوی پیامبرش بیاوید، می‌گویند؛ آنچه پدران خود را بر آن یافته‌ایم ما را بس است. آیا هر چند پدرانشان چیزی نمی‌دانستند و هدایت نیافته بودند؟

«إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أُنذِرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْتَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ»،^۴ در حقیقت کسانی را که کفر ورزیده‌اند چه بیمشان بدهی و چه بیمشان ندهی، برایشان یکسان است و ایمان نخواهند آورد.

۱ - مائده / ۱۶

۲ - انعام / ۱۲۲

۳ - مائده / ۱۰۴

۴ - بقره / ۶

بنابراین نواندیشی و پویایی فکری، جوهره‌ی تفکر دینی است و ایستایی و جمود نشانه‌ی کفر است. قرآن برای دانش، پژوهش، تولید علم، فهم عمیق و استنباط ارزش بسیار زیادی قائل است و مؤمنان را مکلف کرده است تا پیوسته نیاز علمی و فکری خود را با تفقه در دین به دست آورند؛ لذا می‌فرماید:

«وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنفِرُوا كَافَّةً فَلَوْلَا نَفَرَ مِن كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ

إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ»^۱ و شایسته نیست مؤمنان همگی [برای جهاد] کوچ کنند. پس چرا

از هر فرقه‌ای از آنان دسته‌ای کوچ نمی‌کنند تا [دسته‌ای بمانند و] در دین آگاهی پیدا کنند و قوم

خود را وقتی به سوی آنان بازگشتند، بیم دهند؛ باشد که آنان [از کیفر الهی] بترسند.

در اسلام بر درک عمیق و صحیح دین تأکید زیادی می‌شود. آنان که نمی‌دانند باید از آنان که می‌دانند بپرسند؛ زیرا سؤال‌کردن، خود ارزش است «فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ»^۲. از این رو، خداوند در سوره‌ی نساء، آیه‌ی ۸۳، دستور داده است تا در صورت ناتوانی در حل مسئله نزد کسانی بروید که توانایی استنباط (پویایی، توانایی فکری و علمی) دارند. درحقیقت، دعوت به فکر، نقد، اندیشه و خردورزی در قرآن، دعوت به نوآوری، پویایی فکری، شکوفایی ذهنی و علمی، کشف، فهم، ادراک مجهولات و معلوم‌کردن نادانسته‌هاست.

در قرآن مصداق‌های متعددی از نوآوری برای شناساندن و آموزش‌دادن به مسلمانان آمده است. در سوره‌ی مائده، آیه‌ی ۳۱، می‌بینیم که خداوند چگونه نحوه‌ی دفن جسد هابیل را به‌واسطه‌ی یک کلاغ به قایبل آموزش می‌دهد و می‌فرماید:

«فَبَعَثَ اللَّهُ غُرَابًا يَبْحَثُ فِي الْأَرْضِ لِيُرِيَهُ كَيْفَ يُوَارَى سَوْأَةَ أَخِيهِ قَالَ يَا وَيْلَتَى أَعَجَزْتُ أَنْ أَكُونَ

مِثْلَ هَذَا الْغُرَابِ فَأُوَارَى سَوْأَةَ أَخِي فَأَصْبَحَ مِنَ النَّادِمِينَ» سپس خداوند زاغی را فرستاد که در

زمین جستجو (و کندوکاو) می‌کرد تا به او نشان دهد چگونه جسد برادر خود را دفن کند. او گفت:

«وای بر من! آیا من نتوانستم مثل این زاغ باشم و جسد برادرم را دفن کنم؟!» سرانجام (از ترس

رسوایی، و بر اثر فشار وجدان، از کار خود) پشیمان شد.

۱ - توبه / ۱۲۲

۲ - نحل / ۴۳ - انبیاء / ۷

پروردگار در سوره‌ی انبیاء، آیه‌ی ۵۷ و ۵۸ نوآوری و ابتکار ابراهیم را در بیدارکردن فطرت بت‌پرستان بیان می‌کند و نقشه‌ی او را مبنی بر شکستن بت‌ها و قراردادن تبر بر دوش بت بزرگ، ابتکاری مؤثر بیان می‌کند:

«وَتَاللَّهِ لَأَكِيدَنَّ أَصْنَامَكُمْ بَعْدَ أَنْ تُوَلُّوا مُدْبِرِينَ * فَجَعَلَهُمْ جُذَاذًا إِلَّا كَبِيرًا لَهُمْ لَعَلَّهُمْ إِلَيْهِ يَرْجِعُونَ»، به‌خدا سوگند، در غیاب شما، نقشه‌ای برای نابودی بت‌هایتان می‌کشم. سرانجام، ابراهیم قهرمان (با استفاده از فرصتی مناسب)، همه‌ی آن‌ها را، جز بت بزرگشان، قطعه‌قطعه کرد؛ شاید سراغ او بیایند (و او حقایق را بازگو کند).

خداوند در سوره‌ی کهف، آیه‌ی ۹۲، نوآوری ذوالقرنین را بیان می‌کند که با ساخت سدّ مانع یاجوج و ماجوج می‌شود و آن را رحمتی از سوی خود می‌داند.

یکی دیگر از نمونه‌های بارز نوآوری و خلاقیت، کشتی حضرت نوح (علیه‌السلام) است. پروردگار می‌فرماید:

« وَ هِيَ تَجْرِي بِهِمْ فِي مَوْجٍ كَالْجِبَالِ وَ نَادَى نُوحٌ ابْنَهُ وَ كَانَ فِي مَعْزِلٍ يَا بُنَيَّ ارْكَبْ مَعَنَا وَ لَا تَكُنْ مَعَ الْكَافِرِينَ »، 'آن کشتی، آن‌ها را از میان امواجی همچون کوه‌ها حرکت می‌داد؛ (در این هنگام،) نوح فرزندش را که در گوشه‌ای بود صدا زد: «پسرم! همراه ما سوار شو، و با کافران مباش!».

در پرتوی همین آموزه‌های قرآنی بود که در موارد متعددی پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و مسلمانان، با ابتکار عمل و خلاقیت خود، نوآوری‌های بزرگی کردند و تمدن اسلامی را شکل دادند؛ از جمله حفر خندق در جنگ احزاب، تشکیل شورای مشورتی در جنگ احد و بسیاری از احکام و حکم که معصومان بیان کرده‌اند. در واقع هدف اصلی پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) از بعثت در فضای سنگین جاهلیت و همه‌ی معارفی که این پیامبر امّی برای بشر آورد، نوآوری در جهت شکوفایی استعدادها و توسعه‌ی مادی و معنوی زندگی انسان‌ها بود.

انقلاب اسلامی مردم ایران نیز برگرفته از همین الگو است و نوآوری‌های حاصل تفکر اسلامی است؛ برای مثال در نظام مردم‌سالار دینی یا در راهبردها و رویکردهای فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی که امروزه آثار این نوآوری‌ها در عرصه‌های گوناگون پیداست. توفیق‌های نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران

درباربر توطئه‌های سنگین دشمنان نیز در یرتوی همین خودباوری و نوآوری‌های برگرفته از آموزه‌های دینی و قرآنی است.

• روایات

مشابه آنچه در آیات قرآن مشاهده کردیم، در روایات نیز آمده است ولی به صورت گسترده‌تر و مفصل‌تر. در این بخش، فقط به نمونه‌هایی از روایات اشاره می‌کنیم که با این مقاله متناسب است؛ ولی بحث جامع درباره‌ی این موضوع زمان و محل دیگری را می‌طلبد.

امام علی (علیه‌السلام):

«الْعَقْلُ غَرِيْزَةٌ تَزِيْدُ بِالْعِلْمِ وَالتَّجَارِبِ»،^۱ عقل غریزه‌ای است که با علم و تجربه رشد می‌کند.

پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله):

«إِنَّمَا يُدْرِكُ الْخَيْرُ كُلَّهُ بِالْعَقْلِ وَ لَا دِيْنَ لِمَنْ لَا عَقْلَ لَهُ»^۲ همه‌ی خوبی‌ها را با عقل می‌توان به دست آورد.

امیرالمؤمنین (علیه‌السلام):

«الْإِنْسَانُ بِعَقْلِهِ»^۳ انسان با عقلش، انسان است.

امام علی (علیه‌السلام):

«الْفِكْرُ مِرَاةٌ صَافِيَةٌ»^۴ فکر آینه‌ای بدون زنگار است.

امام علی (علیه‌السلام):

« مَنْ أَسْهَرَ عَيْنَ فِكْرَتِهِ بَلَغَ كُنْهَ هِمَّتِهِ »^۵ کسی که چشم اندیشه‌اش را بیدار بدارد، به نهایت مطلوبش خواهد رسید.

امام علی (علیه‌السلام):

۱ - غررالحکم، آمدی، عبدالواحد تمیمی، قم، دفتر تبلیغات، ۱۳۶۶ش، ص ۵۳

۲ - بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۱۶۰- تحف العقول / النص / ۵۴

۳ - غررالحکم، ص ۴۹، ح ۲۹۵

۴ - نهج البلاغه، سیدرضی، قم، هجرت، ۱۴۱۴ق، ص ۵۳۸

۵ - غررالحکم، ص ۵۷

« يَا كُمَيْلُ مَا مِنْ حَرَكَةٍ إِلَّا وَ أَنْتَ مُحْتَاجٌ فِيهَا إِلَى مَعْرِفَةٍ »^۱ ای کمیل! هیچ حرکتی نیست، مگر آنکه تو در آن محتاج شناخت هستی.

امام علی (علیه السلام):

« كَثْرَةُ النَّظْرِ فِي الْعِلْمِ يَفْتَحُ الْعَقْلَ »^۲ نظر فراوان در علم، عقل را روشن می‌کند.

امام علی (علیه السلام):

« كَثْرَةُ النَّظْرِ فِي الْحِكْمَةِ تَلْقَحُ الْعَقْلَ »^۳ نظر فراوان در حکمت، عقل را بارور می‌کند.

امام علی (علیه السلام):

« إِنَّمَا الْبَصِيرُ مَنْ سَمِعَ فَفَكَرَ وَ بَصُرَ فَأَبْصَرَ وَ انْتَفَعَ بِالْعَبْرِ ثُمَّ سَلَكَ جَدًّا وَ اضْحًا يَتَجَنَّبُ فِيهِ الصَّرْعَةَ فِي الْمَهَاوِي »^۴ اهل بینش کسی است که بشنود، بیاندیشد و ببیند و با بینش در آن درنگ کند، از رخدادها پند گیرد، بهره‌مند شود و خود را از یرتگاه‌ها نگاه دارد.

پیامبر (صلی الله علیه و آله):

« تَذَاكُرُوا وَ تَلَاقُوا وَ تَحَدَّثُوا فَإِنَّ الْحَدِيثَ جِلَاءٌ لِلْقُلُوبِ إِنَّ الْقُلُوبَ لَتَرِينٌ كَمَا يَرِينُ السَّيْفُ جِلَاؤُهَا الْحَدِيثُ »^۵ به یاد هم آورید، با هم مباحثه کنید و درباره‌ی مسائل گوناگون سخن بگوئید؛ زیرا سخن گفتن دل‌ها را صیقل می‌دهد. به‌راستی که دل‌ها زنگار می‌گیرد، چنان‌که شمشیر زنگار می‌گیرد و جلای دل‌ها سخن گفتن خوب است.

پیامبر (صلی الله علیه و آله):

« مَنْ اسْتَوَى يَوْمَاهُ فَهُوَ مَغْبُونٌ وَ مَنْ كَانَ آخِرُ يَوْمِيهِ شَرُّهُمَا فَهُوَ مَلْعُونٌ وَ مَنْ لَمْ يَعْرِفِ الزِّيَادَةَ فِي نَفْسِهِ كَانَ إِلَى النُّقْصَانِ أَقْرَبَ وَ مَنْ كَانَ إِلَى النُّقْصَانِ أَقْرَبَ فَالْمَوْتُ خَيْرٌ لَهُ مِنَ الْحَيَاةِ »^۶ اگر کسی دو روزش برابر باشد، مغبون است. اگر فردای کسی بدتر از امروزش باشد، ملعون است. اگر کسی

۱ - بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۲۶۹

۲ - الدعوات، قطب الدین راوندی، قم، مدرسه‌ی امام مهدی (عج)، ۱۴۰۷ق، ص ۲۲۱

۳ - تحف العقول، ابن شعبه حرانی، قم، جامعه‌ی مدرسین، ۱۴۰۴ق، ص ۳۶۴ و بحار الأنوار، علامه‌ی مجلسی، ج ۷۵، ص ۲۴۷

۴ - شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۹، ص ۱۵۷

۵ - الکافی، شیخ کلینی، تهران، اسلامی، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۴۱

۶ - ارشاد القلوب، دیلمی، شیخ حسن، قم، شریف رضی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۸۷

در پی تدارک کاستی در عمل خود نباشد، کاستی در عقلش خواهد بود و اگر کسی در عمل و عقل کاستی داشته باشد، عدمش از وجودش بهتر است.

امام علی (علیه السلام):

«أَدْلُ شَيْءٍ عَلَى غَزَاةِ الْعَقْلِ حُسْنُ التَّدْبِيرِ»، 'محکم ترین دلیل بر کمال عقل، تدبیر نیکو (سنجیده و حساب شده) است.

• ضرورت‌های نوآوری

اگر بخواهیم هر برنامه‌ای درست اجرا شود و بازدهی مورد نظر را داشته باشد، طرح و برنامه‌ای برای تبیین و تشریح الگوها، هدف‌ها و شاخصه‌های فعالیت‌های امور لازم است تا در طول مسیر با سردرگمی و انحراف از مسیر اصلی مواجه نشویم. در غیر این صورت، خلاف مطلوب به دست خواهد آمد. مسأله‌ی نوآوری و شکوفایی در ابعاد گوناگون و در رشته‌های مختلف نیازمند کارشناس و متخصص همان رشته است تا با داشتن تصویر درست از نوآوری و شکوفایی، به مدون کردن شاخصه‌ها، برنامه‌ریزی و طراحی پرداخته شود. برای مثال، به منظور نوآوری و شکوفایی برنامه‌ی آموزشی و تعلیم و تربیت، نخست کارشناسان باید شاخصه‌های نوآوری در این راستا را شناسایی و الگویی درست ترسیم کنند تا مربیان و معلمان آن را دنبال کنند.

بنابراین، ما در نوآوری و شکوفایی در تعلیم و تربیت در مسجد که بیشتر به فعالیت‌های قرآنی و علوم دینی می‌پردازد، نیازمند طرح و برنامه‌ای هستیم که بیانگر شاخصه‌های نوآوری و شکوفایی باشد. اما قبل از طراحی و برنامه‌ریزی در راستای تعلیم و تربیت در مسجد، ضروری است شاخصه‌های نوآوری مطلوب و مورد نظر مقام معظم رهبری شناسایی شود تا به نتیجه‌ی مؤثر و مفید برسیم.

• شاخصه‌های نوآوری

نوآوری مطلوب و مد نظر رهبر معظم انقلاب مختصاتی دارد که به نتایج مفید و مؤثری منتهی و مانع برداشت‌های غلط می‌شود. پاره‌ای از شاخصه‌های نوآوری مطلوب عبارت است از:

۱- نوآوری در عرصه‌ی فکری و فلسفی الزاماً باید در مسیر دین مبین اسلام باشد و درست مقابل بدعت‌ها، تحریف‌ها، خرافه‌ها و تحجرگرایی‌ها قد علم کند.

۲- نوآوری مطلوب نه تنها هنجارشکن و ساختارشکن نیست، بلکه در جایگاه هنجار مطرح می‌شود تا اسلام و انقلاب را زنده و پویا نگه دارد.

۳- نوآوری مطلوب در چارچوب اصول، سنت‌ها و ارزش‌ها صورت می‌گیرد.

۴- نوآوری در روش و شیوه‌های اجرایی براساس تجربه‌ها صورت می‌گیرد تا راه میان‌بر باشد برای رسیدن به مقصود، نه بیراهه.

۵- نوآوری مؤثر باید در راستای نوآوری‌های گذشته باشد و مکمل آن، نه نوآورستیز و مانع؛ چنانچه اصل انقلاب و جمهوری اسلامی نوآوری به حساب می‌آید و سایر نوآوری‌ها باید مکمل آن باشد.

• مخاطبان اصلی نوآوری و شکوفایی

به نظر می‌رسد سه طیف مخاطب اصلی و مجری نوآوری باشند:

۱. مربیان، معلمان و متولیان مسجدها؛

۲. مسئولان و مدیران عالی جامعه؛

۳. نخبگان و خواص.

هر یک از گروه‌های اجتماعی ذکر شده نیز می‌توانند در سه حوزه (حداقل) نوآوری داشته باشند:

۱. حوزه‌ی فردی؛

۲. حوزه‌ی مدیریتی و تحت امر؛

۳. حوزه‌ی اجتماعی و ملی.

بنابراین مسجد، در جایگاه کانون تعلیم و تربیت، در هر یک از حوزه‌هایی که به آن اشاره خواهیم کرد می‌تواند نوآوری داشته باشد:

الف) در حوزه‌ی فردی

در فرهنگ اسلام، مسجد نهادی است مقدس و کانون تربیت و بیشترین نقش خودسازی و جامعه‌سازی مورد نظر اسلام را برعهده دارد. در حوزه‌های ذکر شده، مسجد می‌تواند در این موردها نوآوری داشته باشد:

۱. نوآوری در برقراری ارتباط با خالق و تقرب جستن به او؛

۲. نوآوری در شیوه‌های تعامل مفید و وحدت‌آفرین افراد جامعه و محکم‌کننده‌ی پایه‌های اتحاد ملی و انسجام اسلامی؛

۳. نوآوری در چگونگی تهذیب نفس و خودسازی .

(ب) در حوزه‌ی مدیریتی

مربیان و متولیان مسجدها، در حوزه‌ی مدیریتی تحت امر خود و در راستای تعلیم و تربیت در مسجد، در این امور سه‌گانه می‌توانند نوآوری داشته باشند:

۱. نوآوری در برنامه‌ریزی؛

۲. نوآوری در ساختار، تشکیلات هیئت‌ها و دسته‌ها که احیاکننده و حافظ دست‌آوردهای فرهنگ اسلام است؛

۳. نوآوری در روش‌های اجرایی‌شدن برنامه‌ها و طرح‌ها، به‌گونه‌ای که سدی بر بهانه‌جویی دشمن و متهم‌کردن اسلام به خرافات باشد.

(ج) حوزه‌ی اجتماعی و ملی

گرچه نوآوری در سطح کلان این حوزه به متصدیان و نخبگان عالی‌رتبه‌ی کشور مربوط می‌شود اما هرکس باید در حوزه‌ی کاری خود به این امر توجه داشته باشد. در این راستا، مسجد رسانه‌ای سنتی است و در اطلاع‌رسانی چهره‌به‌چهره و آگاهی‌دادن و به‌صحنه‌کشاندن مردم نقش مهم خودش را دارد؛ بنابراین سخنوران مسجد، می‌توانند راهکارهای نوآوری را در این موردها ارائه دهند:

۱. نوآوری در حیطة‌ی زندگی و کار؛

۲. نوآوری در سطح محلی و منطقه‌ای؛

۳. نوآوری در سطح شهری و کشوری.

نوآوری و شکوفایی تعلیم و تربیت در مسجد

یکی از مکان‌های مؤثر و مفید برای نوآوری و شکوفایی در حوزه‌ی اجتماعی، در سطح محلی، منطقه‌ای یا شهری، مسجد است؛ زیرا در طول تاریخ - از صدر اسلام تاکنون - مسجد کانون آموزش علوم دینی و به‌ویژه علوم قرآنی بوده است. منتهی این آموزش‌ها تاکنون به‌صورت سنتی بوده است و آن‌گونه که باید

مورد توجه قرار نگرفته و برای آن برنامه‌ریزی نشده است تا جذابیت و کارایی خوبی برای اقشار مختلف جامعه، به‌ویژه جوانان، داشته باشد.

بیشتر وقت‌ها اصول، هدف‌ها، رویکردها، کلیات آموزش‌ها و فعالیت‌های قرآنی مفروض گرفته می‌شود؛ در نتیجه نوآوری‌ها فقط معطوف به عوامل و اجزای فرعی و ظاهرسازی می‌شود. برای مثال، رنگ‌آمیزی، نقاشی و تنوع در زینت مسجد بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد. گرچه این امر نیکو و به‌جاست؛ اما هیچ‌گاه به درجه‌ی اهمیت آموزش و تعلیم و تربیت در مسجد نمی‌رسد.

نوآوری در تعلیم و تربیت نیازمند آن است که:

۱. از جدیدترین ابزارهای آموزشی استفاده شود؛
۲. متن‌های درسی و مواد آموزشی که قرار است در مسجد تعلیم داده شود، کارشناسی شود و مطابق با نیازهای دانش‌آموزان مسجدی تدوین گردد؛
۳. سبک و شیوه‌ی آموزش باید به‌روز باشد و از شیوه‌های قدیمی پرهیز شود که تاکنون بازدهی موفق‌ی نداشته است.

هدف اصلی تعلیم و تربیت در مسجد

بررسی هدف‌های تعلیم و تربیت نشان می‌دهد که مهم‌ترین نیازهای هر جامعه تعلیم و تربیت افرادی است که با اتکا به نیروی اراده و تعقل خویش، منطقی بیاندیشند و به‌جای وابستگی و استفاده از دستاوردهای دیگران، در زمینه‌ی اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و... خود مولّد دانش و فناوری برای زندگی در عصر طلایی باشند. در طول تاریخ، کانون تربیت چنین افرادی در اسلام، مسجد بوده است. با توجه به فراگیر بودن دین مقدس اسلام و دخیل بودن آن در ابعاد گوناگون زندگی انسان، مسئله‌ی تعلیم و تربیت در مسجد نیز ابعاد فراوانی به خود می‌گیرد. هدف اصلی از تعلیم و تربیت در مسجد، آموزش انسان‌ها در همه‌ی زمینه‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، نظامی و... است. در صدر اسلام، مسجد کارکردهای فراوانی در زمینه‌های مختلفی داشته است؛ اما امروزه به‌دلیل به‌وجود آمدن کانون‌ها و مراکزهای جدید، بسیاری از کارکردهای مسجد در این مکان‌ها انجام می‌شود و به مسجد در جایگاه مکانی برای عبادت و تقرب جستن به‌خدای تعالی نگاه می‌کنند؛ در حالی که در فرهنگ اسلام، مسجد نقشی سرنوشت‌ساز در متحول کردن بنیادی زندگی افراد بازی می‌کند. بنابراین مسجد می‌تواند در تحول عقیدتی، اخلاقی، سیاسی، اجتماعی و رفتاری افراد جامعه مؤثر باشد.

گرچه با ایجاد کانون‌های فرهنگی این مقوله کم‌رنگ شده است؛ اما دست‌کم آموزش‌های قرآنی کماکان در مسجدها ادامه دارد. نوآوری در شیوه‌ی آموزش‌های قرآنی اولویت ویژه‌ای دارد؛ زیرا در اسلام، مسجد از همان نخست محل آموزش برترین کتاب الهی یعنی قرآن بوده است. از این‌رو، باید برای شکوفاشدن هرچه‌بیشتر تعلیم قرآن، ترویج فرهنگ قرآن‌خوانی در مسجد و گسترش آن در سطح کلی جامعه چاره‌اندیشی کرد. البته باید این نکته را بیان کرد که مراد از قرآن‌خوانی، فقط روخوانی صرف و بهره‌نبردن از معنی و فهم عمیق این کتاب مقدس نیست بلکه هدف نهایی فهمیدن قرآن است.

در این باره باید به چند چیز توجه شود:

۱. توجه به فرهنگ آموزش قرآن

امروزه در دنیا، به‌خصوص در کشورهای پیشرو، نگاه به مقوله‌ی آموزش نگاه به رویدادی فرهنگی است. توجه به فرهنگ آموزش قرآن در کشورهای مشرق‌زمین، نیازی اساسی است؛ زیرا این کشورها، از جمله ایران، بسیاری از رفتارها و حتی افکار خود را از فرهنگ، ادبیات، عرفان و ادیان خود به‌دست می‌آورند. عدم توجه به فرهنگ‌سازی در امر آموزش و یادگیری، باعث می‌شود تعلیم و تربیت عمیق نباشد.

۲. قرآن‌خوانی مقدم بر قرآن‌دانی

به این مثال توجه کنید: شما کودک خود را برای یادگیری نماز به مسجد یا کانون فرهنگی می‌فرستید؛ او در مدت کوتاهی با صحیح‌خوانی، فصیح‌خوانی، تلفظ حروف خاص عربی، ترجمه‌ی عبارت‌های نماز، آداب، شرایط و احکام عملی نماز آشنا می‌شود؛ اما کودک، در آموزش‌ها، به این مسئله نمی‌رسد که باید در طول زندگی نماز بخواند. هر ساله اعتبارات زیادی صرف آموزش قرآن به بزرگسال، معلمان و ... می‌شود. با کمی دقت متوجه می‌شویم که این نوع آموزش‌ها از اساس زائد است و سود چندانی ندارد.

آموزش روخوانی قرآن، هدف کلاس اول تا سوم ابتدایی است؛ در حالی که آموزش عالی برای دانشجویان دوره‌های کاردانی، کارشناسی و کارشناسی ارشد یک واحد پیش‌نیاز آموزش روخوانی برگزار می‌کند یا آموزش و پرورش همه‌ساله دوره‌های متعددی برای فرهنگیان برگزار می‌کند؛ اما کماکان مشکل به قوت خود باقی است. مشکل در نداشتن قواعد قرآنی نیست، بلکه در این است که افراد اصولاً قرآن نمی‌خوانند و اینکه قرآن‌خواندن روزانه، در طول زندگی، به‌صورت فرهنگ و رفتار در نیامده است. همه‌ی ما نماز می‌خوانیم؛ زیرا از همان دوران کودکی که چشم خود را باز کردیم، دیدیم پدر و مادرمان نماز می‌خوانند یا

پدر و مادر خود را مشغول خوردن سحری دیدیم، درحالی که رادیو دعای سحر را زمزمه می‌کرد؛ در نتیجه همه روزه‌گیر شدیم. اما کودکان چندبار ما را مشغول خواندن قرآن دیده‌اند؟ آنچه متولیان، برنامه‌ریزان و مجریان باید به آن توجه کنند، همین مطلب است. اجرای طرح تلاوت نور در مسجدها، یکی از طرح‌های موفق است که باید بیشتر مورد توجه و تعمیم قرار گیرد.

۳. از مسجد شروع کنیم

اگر نمازگزاران مسجد، در سراسر کشور، روزی یک صفحه قرآن بخوانند، در فهم آیات ساده و پرکاربرد آن کوشش و تدبر کنند، امام جماعت انجام همه‌روزه‌ی این کار را نهادینه کند و از قاریان برجسته در مسجدها دعوت شود تا قرآن را با صدای دلنشین زمزمه کنند و بقیه‌ی نمازگزاران نیز او را همراهی کنند، به‌طور قطع آثار و برکات قرآن شامل حال حاضران خواهد شد.

قرآن را نباید برای ختم‌کردن، نکته‌برداری و استفاده در سخنرانی‌ها بخوانیم، بلکه باید برای دل خود بخوانیم و مانند کسی که برای یافتن داروی درد خود به داروخانه می‌رود، دنبال دوی دردهایمان در قرآن باشیم؛ زیرا هدایت ثمره‌ی قرآن است:

« تَعَلَّمُوا الْقُرْآنَ فَإِنَّهُ رَبِيعُ الْقُلُوبِ وَ اسْتَشْفُوا بِنُورِهِ فَإِنَّهُ شِفَاءُ الصُّدُورِ »، قرآن

رابطه‌ی آموزید، زیر قرآن بهار دل‌هاست. از نور قرآن شفا جوید؛ زیرا که شفای سینه‌ها است.

آموزش روخوانی و روان‌خوانی صرف یا کلاس حفظ قرآن و آموزش قرائت، به‌تنهایی، نمی‌تواند پاسخگوی نیازهای مختلف دانش‌آموزان و فراگیران باشد. شاید یکی از رمزهای جاودانگی و جذابیت مجلس‌های عزاداری حضرت سیدالشهدا (علیه‌السلام) یا مراسم شب‌های احیاء، همین تنوع برنامه‌ها و فعالیت‌ها باشد که باید در آموزش قرآن و تعلیم و تربیت در مسجد نیز به آن توجه کرد.

۴. فعالیت‌های فوق برنامه باید مکمل برنامه‌ی درسی قرآن باشد

دانش‌آموزان درحالی در مسابقه‌های قرآنی و معارف اسلامی شرکت می‌کنند که محتوای پیش‌بینی‌شده‌ی مسابقه را در مدرسه آموزش نمی‌بینند. درمقابل محتوای کتاب‌های درسی قرآن، دینی و سایر کتاب‌ها کمتر در مسابقه‌ها می‌آید؛ کتاب‌هایی که پژوهشگران دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی، بادقت فراوان و متناسب با نیازها و علائق دانش‌آموزان، طراحی کرده‌اند. برای مثال مسابقه‌های قرائت و حفظ قرآن که

فعالیت قرآنی تخصصی‌ای است، هیچ‌گاه جزء هدف‌های کلان آموزش و پرورش نبوده است. در مقابل، کسب مهارت روخوانی و روان‌خوانی قرآن از هدف‌های اصلی آموزش قرآن در دوره ابتدایی است. چه خوب است مربیان قرآن‌آموزی مسجدها به‌جای برگزاری مسابقه‌های قرائت و حفظ، مسابقه‌های روخوانی (برای کلاس‌های اول تا سوم) و روان‌خوانی (برای کلاس‌های چهارم و پنجم) برگزار کنند یا در دوره راهنمایی به مسابقه‌های روان‌خوانی (ترتیل آموزشی) و درک و فهم آیات و عبارت‌های قرآنی اهمیت داده شود.

۵. مهارت‌آموزی به‌جای قاعده‌ی آموزش

همان‌طور که در بند سوم گفته شد، علت مهجوریت قرآن در جامعه این نیست که افراد با قواعد روخوانی و روان‌خوانی آشنا نیستند بلکه اشکال این است که اصولاً افراد با قرآن مأنوس نیستند. یکی از راهکارهای مهم در این زمینه، توجه به مهارت‌آموزی به‌جای قاعده‌آموزی است. در جلسه‌های موفق و معتبر قرآن، روش حاکم مهارت‌آموزی است. استاد در صدر جلسه می‌نشیند، افرادی که به حلقه‌ی انس با قرآن نشست‌اند، هر یک چند آیه می‌خوانند و استاد اشکال‌های آنان را موردی و تلگرافی برطرف می‌کند؛ اما در مدرسه‌ها و کلاس‌ها قواعد قرآن محور آموزش است. در این کلاس‌ها معلم ارتباط یک‌سویه دارد و به‌طور معمول متکلم‌وحده می‌شود و آنچه بیش‌از همه مورد غفلت قرار می‌گیرد، کم‌خواندن قرآن است.

۶. اجرای کامل برنامه‌ی درسی قرآن

مهم‌ترین عامل در موفق‌نبودن برنامه‌ها و طرح‌ها، از جمله برنامه‌ی درسی قرآن در آموزش و پرورش و به‌ویژه در دوره ابتدایی، اجرا نکردن کامل برنامه‌های پیش‌بینی شده است. در برنامه‌ی درسی قرآن سه عامل مهم که در ادامه می‌گوییم باید هم‌عرض اجرا شود تا هدف‌ها محقق شود:

۱. معلمان و مربیان قرآن‌آموزی مسجدها، باید با ابعاد و اجزاء برنامه‌ی درسی قرآن آشنا شوند و مهارت لازم را در آموزش قرآن به‌دست آورند؛
۲. باید وسایل آموزشی - از قبیل لوح آموزشی، نوار آموزش قرآن معلم و دانش‌آموز، کتاب راهنمای تدریس معلم و ضبط صوت - فراهم باشد تا آموزش با اختلال روبرو نشود؛
۳. به نقش خانواده در آموزش توجه شود؛ زیرا بیش‌از یک‌پنجم آموزش بر عهده‌ی خانواده است.

۷. خانواده و زمینه‌های لازم آموزش قرآن

مواردی که خانواده‌ها باید توجه کنند تا زمینه‌های لازم برای آموزش قرآن فراهم شود.

در مقدمه‌ی هریک از کتاب‌های درسی دانش‌آموزان آمده است: خوب است معلمان در آموزش خانواده به این شیوه عمل کنند:

- پدر و مادر به مدرسه دعوت شوند و در کلاس درس قرآن حضور یابند؛
- نمونه‌ای از روش آموزش قرآن با حضور دانش‌آموزان برای خانواده‌ها اجرا شود تا آن‌ها با تلاوت و ریزه‌کاری‌های آموزش آشنا شوند؛
- موارد گفته‌شده در مقدمه‌ی کتاب برایشان بازگو شود؛
- با خانواده‌ها میثاق شفاهی بسته شود که روزی یک صفحه قرآن بخوانند تا این فرهنگ به کودکانشان منتقل شود.

۸. فراگیر کردن قرآن‌خوانی

مربیان و معلمان مسجدها، حوزه‌های علمیه، سازمان صداوسیما، نهضت قرآن‌آموزی، سازمان تبلیغات اسلامی، مرکز توسعه و ترویج فعالیت‌های قرآنی و وزارت آموزش و پرورش باید به این نکته توجه کنند که متأسفانه روند فعالیت‌های قرآنی به جای عمومی شدن به سوی تخصصی شدن حرکت می‌کند و شاهد این مسئله هستیم که روزبه‌روز ارتباط عموم مردم با قرآن کمتر و کمتر می‌شود. البته این مطلب به معنی کنار گذاشتن فعالیت‌های تخصصی نیست، بلکه باید توجه شود فعالیت‌های تخصصی روزبه‌روز ساده‌تر و عمومی‌تر شود. به خصوص مراکزی که در این زمینه مسئولیت اصلی و مستقیم را دارند، باید در هدف‌ها و روش‌هایشان تجدیدنظر کنند.

پیش‌نیازها

پیش‌نیازهای مهمی هست که زمینه‌ساز نوآوری و شکوفایی تعلیم و تربیت در مسجد است، برای مثال:

- ترویج فرهنگ کتاب‌خوانی بین افراد جامعه، با کمک مسجدها؛
- برگزاری کلاس‌های احکام، اخلاق و قرآن به شیوه‌ی نو و جذاب؛
- برگزاری کلاس‌های هنری برای جوانان، در مسجد؛
- برگزاری کلاس‌های آموزش رایانه برای استفاده از علوم اسلامی؛
- برگزاری کلاس‌های روش تحقیق، تبلیغ، سخنرانی و مداحی؛
- پخش سی‌دی‌های مذهبی بین جوانان و کودکان؛
- برگزاری نماز جماعت دانش‌آموزان؛

- فراخوانی والدین دانش‌آموزان و کمک‌گرفتن از آنان در امر آموزش؛
- تأسیس و بازسازی کتابخانه‌های مسجدها، متنوع‌کردن کتاب‌های موجود در مسجدها مطابق با سطح فکری اقشار مختلف جامعه؛
- ارتباط دوسویه‌ی مسجدها با سایر کانون‌های فرهنگی؛
- دعوت دانش‌آموزان مدارس و آموزشگاه‌ها به مسجد در مناسبت‌ها و عیدهای اسلامی؛
- امکان دسترسی آسان مردم به امکانات فرهنگی مسجد؛
- زیباسازی مسجدها.

راهکارهای عملی در اجرای طرح نوآوری و شکوفایی

آنچه در تحقق نوآوری و شکوفایی تعلیم و تربیت در مسجد در خور توجه است، داشتن برنامه‌های نو در قالب شیوه‌های اجرایی جدید و در سطح کلان مسجدهای کشور و همچنین تلاش برای شکوفاکردن تلاش‌های گذشته است که به مقدمات زیادی نیاز دارد و نبودن بسترها امکان تحقق آن را از ذهن دور می‌کند.

بنا بر سخنان رهبر معظم انقلاب، یکی از مقدمه‌های لازم برای تحقق نوآوری بسترسازی برای نوآوری است که امامان جمعه و جماعت می‌توانند نقش بسیار مهمی در اجرای آن داشته باشند. برای مثال:

۱. امامان جمعه و جماعت باید در صحنه‌ی سیاسی و اجتماعی کشور فضای آرام روانی ایجاد کنند و از تنش‌ها و چالش‌های ساختگی و حاشیه‌ای بپرهیزند که جز اتلاف وقت هیچ دردی را دوا نمی‌کند.
۲. کشاندن همه‌ی مردم به صحنه‌ی نوآوری و شکوفایی، به‌ویژه تعلیم و تربیت در مسجد. امیدواریم با عزم ملی و اراده‌ی جمعی، در اجزای مختلف آموزشی و در مسجدها فضای نوآوری حاکم گردد.
۳. هماهنگ‌کردن مسئولان، مدیران و نخبگان تا نوآوری مطلوب در فضای جامعه گسترش یابد.
۴. اجرایی‌کردن نگاه فرا جناحی حزب‌ها و تشکل‌ها به موضوع نوآوری و اجتناب از مصادره‌ی آن به نفع گروه یا جناحی خاص.
۵. شناسایی نقصان و کاستی‌های موجود در سیستم‌ها و روش‌های تعلیم و تربیت که تاکنون وجود داشته است و در معرض دید عموم قراردادن بن‌بست‌ها و کمبودها تا برای رفع آن‌ها چاره‌جویی شود.

۶. تدبیر علمی و عقلی در ارائه‌ی نوآوری‌ها و فراخوانی مدیر و مدبر موفق در سیستم تعلیم و تربیت در مسجدها.
۷. پرهیز از بلندپروازی‌ها جهت عملیاتی‌کردن طرح‌ها.
۸. شناسایی تناسب نوآوری‌ها با ظرفیت‌ها و امکانات موجود مسجدهای مختلف کشور و متناسب‌بودن آن‌ها با سطح فکری اهالی آن منطقه.
۹. تلاش شود تا نوآوری براساس مطالبات عمومی جامعه باشد و به‌دور از افزایش نیازها و غیرواقعی‌کردن آن‌ها.
۱۰. تکریم و تجلیل از افکار و طرح‌های نو؛ به‌ویژه طرح‌هایی که از سوی جوانان ارائه می‌شود.
۱۱. تلاش برای فراگیرکردن نوآوری. از یک نگاه، همه‌ی جامعه مخاطب رهبر معظم انقلاب هستند و هرکس باید به اندازه‌ی توان خود، درجهت رسیدن به نقطه‌ی مطلوب، تلاش کند. گرچه نخبگان جامعه بیش از دیگران مورد خطاب قرار می‌گیرند.

آسیب‌شناسی

- ممکن است نوآوری و شکوفایی واقعی، در نظام تعلیم و تربیت مسجد، با مانع‌هایی مواجه شود که توجه‌نکردن به آن‌ها موجب انحراف یا سطحی‌نگری می‌شود. از این‌رو، لازم است با نگاهی آسیب‌شناسانه مانع‌ها را شناسایی کنیم و برای رفع آن‌ها بکوشیم. در ادامه به برخی از این مانع‌ها اشاره می‌کنیم:
۱. جزئی‌نگری به‌جای کلان‌نگری: مشغول‌شدن به امور فرعی و اشتغال ذهن به مسائل جزئی سبب می‌شود مسائل و هدف‌های اصلی تعلیم و تربیت فراموش شود و به نتیجه‌ای مطلوب نرسیم.
 ۲. بخشی‌نگری و مصادره به مطلوب: سوق‌دادن نوآوری‌ها به حوزه‌های خاص، حتی در صورت نتیجه‌بخش‌بودن، سبب رشد ناهمگون می‌شود و در نتیجه اثرهایی معکوس در پی خواهد داشت. گرچه این راهبرد باید از سوی همه‌ی مسئولان و نخبگان دنبال شود اما باید مراقب باشیم در نظام تعلیم و تربیت مسجد که هویت مسلمانان در آن شکل می‌گیرد، با رشدی ناموزون و بی‌قواره مواجه نشویم.
 ۳. نوآوری نباید با غرض‌های سیاسی همراه باشد به منفعت‌های جناحی آلوده شود.

۴. افراط و تفریط: برخورد افراطی با مقوله‌ی نوآوری به معنای برهم‌زدن همه‌ی ساختارها، برنامه‌ها و شیوه‌های قبلی و مرسوم است. تعجیل و شتابزدگی در این راهبرد امکان دارد به همان اندازه مخاطره‌آمیز و منفی باشد که تفریط و مقاومت در برابر هرگونه ابتکار و خلاقیت.

۵. عدم شناخت مرز بین نوآوری و بدعت: اگر شناخت درستی از نوآوری، به‌ویژه در بخش تعلیم احکام و اخلاق و الگودادن به جوان‌ها، وجود نداشته باشد، ممکن است نوآوری به بدعت و الگودهی ناسازگار با اصول اسلام بیانجامد.

باتوجه‌به آنچه در مورد شاخصه‌ها، الزامات و آسیب‌های نوآوری بیان شد، این نکته روشن می‌شود که برای تحقق راهبرد نوآوری و شکوفایی تعلیم و تربیت در مسجد، قبل از هر چیز، باید رفتارهای شخصی و اخلاق کاری معلمان، مربیان، پیشگامان مسجد و مسجدی‌ها اصلاح شود. بی‌تردید برخی ویژگی‌ها وجود دارد که از مقدمه‌های ضروری پیشرفت جامعه است؛ مانند: مسئولیت‌پذیری، نظم، قانون‌پذیری، اعتمادبه‌نفس، داشتن روحیه‌ی کار و تلاش و هم‌اندیشی با نخبگان و مردم. این ویژگی‌ها نخست باید در روحیه‌ی و شخصیت معلمان، متولیان و مربیان مسجدها بروز کند تا بتوان راهبردهای اساسی و کلان را در این نهاد مقدس عملی کرد.

منبع: مرکز رسیدگی به امور مساجد